



مدیریت شمس

دکتر ابوالحسن احمدیانی

فارماکولوژیست و هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی



■ به یاد دوست همراهم شادروان مرحوم
دکتر فریدون سیامک نژاد
من سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده داروسازی دانشگاه
تهران شدم و دکتر سیامک نژاد که دوستان وی
را به اختصار «سیا» صدا می‌کردند، در سال سوم

درس می‌خواند.
در ورودی ما تعداد دانشجویهای سیاسی نسبت به
بقیه ورودی‌ها بیشتر بود اما دانشجویان سیاسی
در سال سوم‌ها از ما هم بیشتر بودند و هم
پخته‌تر عمل می‌کردند.

به نظر خیلی خوب اجرا و مدیریت کرد. ایشان از سال ۷۸-۱۳۷۶ قائم مقام معاونت غذا و دارو بودند و با اختیار تام، مدتی همزمان مدیر کل امور دارو شدند.

در این دو سال شالوده تغییرات اساسی در سیاست‌ها و برنامه‌های دارویی قطعاً به پشت گرمی حضور ایشان پی ریزی شد. در همه کارهای اجرایی و برنامه ریزی‌ها کاملاً مسلط بود و بدون تعارف، بنده از ایشان اجرا را می‌آموختم و علی‌رغم این که اختیار تام داشت، باز هم معمولاً با هماهنگی کارها را انجام می‌داد.

وی مدیری شجاع و دقیق بود، در این زمینه به دو خاطره بسنده می‌کنم:

■ شرکت داروسازی زکریای تبریز (دانای امروز) بعد از سال‌ها سرمایه‌گذاری بسیار سنگین دولتی و تلاش فوق‌العاده مدیران لایق آن، برای شروع تولید مواد اولیه آنتی‌بیوتیک‌های خود با کمبود بسیار جدی بودجه مواجه شده بودند، دکتر سیامک نژاد با آن‌ها مذاکره و راه حل را پیدا کرد (کاری بسیار پرخطر) مبلغ سنگینی ماده اولیه پیش خرید شود!!!!؟؟؟ چه کسی این پیش خرید را انجام دهد؟ معاونت غذا و دارو!

با اعتماد به تشخیص ایشان و مدیر پروژه و بنیان‌گذار زکریا - باز به واسطه شناختی که دکتر سیامک نژاد از ایشان داشت (استاد دکتر شمس‌الدین طباطبایی)، این کار انجام گرفت و به لطف خدا طرح با موفقیت به پایان رسید.

■ برای اولین بار قرار بود دانش مهندسی ژنتیک نو ترکیب (Recombinant) در ایران وارد عرصه دارو شود. شرکت پویش دارو بنیان‌گذار این حرکت

زمستان همان سال به بهانه تظاهرات، شش نفر از فعالان سیاسی سال سوم را جلوی دانشکده فنی گرفتند و در کمتر از یک ماه (احتمالاً) همه را به جز سیا و شهریار وحید آزاد کردند که اتفاقاً خیلی با همدیگر جفت و جور بودند. این دونفر پنج ماه زندانی کشیدند. البته، دستگیری در تظاهرات بهانه بود و می‌خواستند این ۶ نفر را به خاطر فعالیت سیاسی شان دستگیر کنند.

بعد از آزاد شدن و مراجعت دکتر سیامک نژاد به دانشکده، دوستی ما شروع شد. وی دوستی به شدت مهربان، بی‌ادعا و پر تلاش بود. بنابراین، دوستی ما به سرعت عمیق شد.

آنچه در درونش بود و فعالیت سیاسی را که داشت، بروز نمی‌داد که البته، یک نقطه قوت برای مبارزان سیاسی بود، یکی از دوستان هر وقت برای کارهای مبارزاتی پول لازم داشت، به ایشان فقط می‌گفت که سیا پول لازم دارم و وی بدون کوچکترین کنجکاو و سؤالی وجه را تهیه و تحویل می‌داد و خوب می‌دانست که برگشتی در پول نیست و این کار بارها تکرار شد.

دکتر سیامک نژاد به علت جدی بودن، پشتکار و نظم فوق‌العاده که همیشه زبانه زد بود، هر کاری که می‌کرد، خوب و کامل انجام می‌داد. کما این که در درس هم همین‌طور بود و استاد راهنمای پایان‌نامه ایشان، آقای دکتر آینه‌چی، چندبار اصرار کرده بود که وی را بورسیه کند.

جدی بودن، نظم آهنین و اعتقادش به درستی انجام یک کار علت اصلی مدیریت خیلی خوب و موفق دکتر سیامک نژاد بود.

در هر حوزه‌ای که بعد از انقلاب مسؤولیت داشت،

دوستی صمیمی ۴۸ ساله را که همواره رفیق راهم بود، چگونه می توان تعریف کرد؟ در پایان، ضمن عرض تسلیت به خانواده ایشان، به دوستان همیشگیش دکتر صدر، دکتر ظفرقندی، دکتر رستگار، دکتر تحویل زاده، دکتر کیخا، دکتر شهبایی، دکتر باقری، دکتر وزیری و... باید تسلیت گفت.

همگی ما واقعا اندوه و غمی بسیاری داریم. بی استثنا هر صبح اولین پیامی که در واتس آپ می خواندم، تفسیر یک آیه از قرآن کریم بود که سیما برای من و برای خیلی از دوستان می فرستاد.

نوآورانه کارها را خیلی خوب پیش برده بود و همه منتظر تولید انبوه این شرکت بودند اما سکوت و سکون در پویش دارو دیده می شد که مشخص گردید برای تولید انبوه بودجه ندارند. مرحوم دکتر سیامک نژاد در آن زمان مدیرعامل پخش هجرت بود، با ایشان در این زمینه مشورت شد. خنده ای پر از امید و اعتمادی به رفیق صمیمی اش کرد و گفت پس فردا صبح چک پیش خرید به اندازه نیازشان را حاضر می کنم. با یک پیش خرید سه ماهه، پویش دارو شروع به کار کرد و دقیقا قبل از سه ماه محصول روانه بازار گردید.

